

تماشاخانه

مهدی شفیعی رییس مرکز هنرهای نمایشی شد

صندلی لرزان مدیریت مرکز هنرهای نمایشی



● **فرزانه ابراهیم‌زاده**، بزرگ‌ترین اتاق ساختمان مرکز هنرهای نمایشی مدت‌هاست دفترموقت مدیرانی شده است که عمر مدیریتشان به عمر یک دولت، که به فاصله دوجشنواره هم نیست، نمی‌رسد. مرکز هنرهای نمایشی امسال ۳۲ساله می‌شود و در این ۳۲ سال حدود ۱۴مدیر و مدیرکل و سرپرست به خود دیده است. ۱۴مدیری که فقط ۱۰تفر از آنها طی ۱۰سال اخیر بر صندلی آن تکیه زده‌اند. حالا مهدی شفیعی نه‌تنها به عنوان یکی از جوان‌ترین چهره‌ها که به عنوان چهاردهمین رییس مرکز هنرهای نمایشی از اتاق مدیر اداری مالی از امروز به دفتر بزرگ می‌رود تا سکان تئاتر را به دست بگیرد. شفیعی در حالی این سفر کوتاه درون‌ساختمانی را انجام می‌دهد که پیش از او از سال ۸۲ که مجید شریف‌خدایی صندلی‌اش را به خسروشان سپرد، حسین پارسی، حسین مسافر آستانه، محمد دشت‌گلی، قادر آشنا، حسین طاهری و در نهایت اردشیر صالح‌پور به ریاست یا سرپرستی مرکز هنرهای نمایشی منصوب و با چهار معاون هنری در چهار دولت همراه شدند، جابه‌جایی‌هایی که جدا از افت‌خیزهایی که این مرکز در این سال‌ها داشته است جایگاه مدیریت آن را متزلزل کرده است. در میان این مدیران تنها حسین پارسی‌پوی که ۵ دوره جشنواره فجر را برگزار کرد و محمد دشت‌گلی نیز نزدیک به یک‌سال سمت سرپرست مرکز هنرهای نمایشی را برعهده داشت. حسین طاهری آخرین رییس مرکز هنرهای نمایشی چند هفته‌ای کمتر از یک سال در جایگاه مدیر مرکز هنرهای نمایشی حضور داشت. اردشیر صالح‌پور هم نزدیک به یک‌ماه‌و نیم در مقام سرپرست مرکز هنرهای نمایشی و تنها برای برگزاری جشنواره سی‌وسوم انتخاب شد تا در نهایت علی مرادخانی در میان گزینه‌هایی پیش‌رویش حکم را به اسم مهدی شفیعی بزند که امش در یک‌سال گذشته برای اهالی تئاتر بارها تکرار شده بود و بخش مالی مرکز را در دست داشت.

مهدی شفیعی از کجا آمده است؟

اگر خبرنگاران حوزه تئاتر کمی از پیش‌گویی سرشته داشتند شاید هفتم‌تیر ۱۳۹۳ وقتی حسین طاهری که از پاسخ دادن طفره رفت، باید حدس می‌زدند که مدیر بعدی مرکز هنرهای نمایشی می‌تواند از میان یکی دو مدیر جوانی که در سمت چپ او نشسته بودند و به جای او پاسخ دادند انتخاب می‌شود. یکی از این دو مدیر مهدی شفیعی بود که برخلاف طاهری از محدودیت‌های مالی صحبت کرد و درباره برنامه‌های سال ۹۳ و برگزاری جشنواره‌های پیش‌رو بیشتر گفت. او که آبان‌ماه از مرکز هنرهای نمایشی استعفا کرد و در کنار علی مرادخانی در سمت مشاور مطالعات و برنامه‌ریزی قرار گرفت، روند نزدیک‌شدن به این صندلی را به سمتی برد که به نظر گزینه دیگری در مقابل معاون هنری نبوده است. مهدی شفیعی متولد ۱۳۴۵ و کارشناس ارشد تئاتر است. اما او بیشتر از آنکه در حوزه هنر تئاتر باشد در سمت‌های اجرایی بود و همراه با خسروشان از استان خوزستان به تهران آمد و رییس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی اهواز در یکی از دوره‌های پرتنش بود. معاون مالی و اداری ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌های البرز و خوزستان، دو سمت دیگر شفیعی پیش از آن بود که توسط قادر آشنا به عنوان معاون مالی مرکز هنرهای نمایشی منصوب شود.

پیشنهادهای

«کوکوی کبوتران حرم» بامضای نویسنده

● **شرق**: علیرضا نادری در جشن رونمایی کتاب نمایشنامه «کوکوی کبوتران حرم» به‌همراه بازیگران این نمایش آن را برای علاقه‌مندان امضا می‌کند. کوکوی کبوتران حرم روایت ۱۲۰ زن است که قصد رفتن به مشهد را دارند. آنچنان که خود او هم گفته: «کوکو نمایشنامه‌ای درباره خانواده و زندگی است و ارکان اصلی آن: زن، جنگ و آموزش و تربیت در یک سفر زیارتی است.» این نمایش پیش‌تر در تالار چهارسو به صحنه رفته و با استقبال روبه‌رو شده است. حالا بازیگرانی که خالق این نمایش بودند، نادری را در این مراسم که روز یکشنبه در سالن مشاهیر تئاتر شهر ساعت ۱۸ برگزار می‌شود همراهی می‌کنند. بهناز جعفری، ناهید مسلمی، پریسا مقتدی، نسیم ادبی و شهره سلطانی بازیگرانی هستند که قرار است به این برنامه بپیانند.

«بخشید ما پاپ نیستیم»؛ این جمله یکی از مدیران گروه‌های موسیقی شرکت‌کننده در سی‌امین جشنواره موسیقی فجر است؛ موسیقی‌ای که روزگاری یکی از ارکان اصلی این جشنواره را تشکیل می‌داد، حالا تنها به عرصه‌ای ویتربینی برای نمایش هنر کهن ایرانی تبدیل شده است که هرروز نحیف‌تر از گذشته می‌شود. حتی دیگر رنگ‌های خطر نیز برای اهمیت این بخش اثر ندارد. نه خبرهایی با عنوان تکراری «بی‌توجهی به موسیقی نواحی» کارساز است، نه آرشپو منسجمی برای انتقال هنر شفاهی کشور به نسل بعد گرد آمده.

جشنواره موسیقی فجر که امروز، ۲۳بهمن وارد سی‌امین دوره خود شده، نتوانسته است مجالی برای تزریق خون به رگ‌های موسیقی نواحی ایران شود. موسیقی نواحی در این دوره در بخش غیرقابلی جشنواره قرار دارد؛ همان بخشی که موسیقی پاپ هم از چند دوره اخیر در آن گنجانده شده است. اگرچه در ظاهر، رقابتی میان گروه‌های شرکت‌کننده در این بخش وجود ندارد اما میزان فروش بلیت‌های هر گروه به‌نوعی آماری قابل‌مقایسه را به‌وجود می‌آورد. به گزارش ایسکانیوز، گروه موسیقی پاپ «سون» با توجه به میزان فروش بلیت در بخش موسیقی پاپ، عنوان برفروش‌ترین را به خود اختصاص داده و این گروه که قرار است در دو سانس اجرا داشته باشد، فقط ۱۰بلیت فروش‌رفته در سانس دوم دارد تا اولین گروه «sold out» کننده بخش موسیقی پاپ باشد. به گفته این خبرگزاری، گروه موسیقی «آکرین» به سرپرستی عادل نادری که قرار است در بخش موسیقی نواحی سی‌امین جشنواره موسیقی فجر روی صحنه برود نیز رکورد کم‌ترین میزان فروش بلیت را دارد و این صندلی‌های ایوان شمس توسط مسوولان برگزارکننده غیرقابل‌فروش اعلام شده‌اند. مرور جشنواره‌های موسیقی فجر از دوره‌های ابتدایی تا به امروز نشان می‌دهد که موسیقی نواحی یکی از بخش‌های اصلی جشنواره بوده است. علی مرادخانی، معاون امور هنری وزیر ارشاد نیز در پیامی که به سی‌امین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر ارسال کرده به این موضوع اشاره کرده است: «آغازین سال‌های فعالیت جشنواره موسیقی فجر که به نام «جشنواره سراسری سرود و آهنگ‌های انقلابی» خوانده می‌شد، نهایی نپوی بود که با تمامی حساسیت‌ها و اختلاف‌سلیقه‌هایی که درباره شیوه برگزاری جشنواره وجود داشت، فعالیت خود را با حضور موسیقیدانان و هنرمندانی از سراسر ایران به‌ویژه در حوزه موسیقی نواحی، ادامه داد و البته کار در چنین فضایی به‌طور طبیعی با مشکلات و موانع بسیاری همراه بود.» همچنین کارنامه دوره‌های

گذشته گواه این موضوع است که هرچه به سال‌های اخیر نزدیک می‌شویم، توجه به موسیقی نواحی کمتر شده و یکی از مصادیق بارز آن را می‌توان میزان فروش بلیت گروه‌های شرکت‌کننده در این بخش دانست. اگر از گزارش ایسکانیوز درباره کم‌ترین بلیت فروخته‌شده در چندروز گذشته، بگذریم با مراجعه به سایت ققنوس می‌توان متوجه آمار آتلاین فروش گروه‌ها شد. تا لحظه تنظیم این گزارش گروه تبری از ساری که قرار است ۳۰بهمن در برج آزادی روی صحنه برود، هنوز موفق به فروش هیچ بلیتی نشده است. بعد از آن گروه «آکرین» است که ۲۷بهمن در ایوان شمس اجرا خواهد داشت و تاکنون چهار بلیت فروخته است. گروه «شیدپیز» از بوشهر نیز در همین روز روی صحنه می‌رود که ۱۹بلیت فروخته است و گروه «دالغا» از تبریز ۲۹بهمن اجرا دارد و ۷۳صندلی تالار ایوان شمس برای آنها به فروش رفته است. در جایگاه بعدی گروه «زاکرس» ۲۶بهمن در ایوان شمس روی صحنه می‌رود که ۹۵بلیت فروخته و بعد از آن گروه «ژیوار» با ۱۵۰بلیت فروخته‌شده، ۲۶بهمن در فرهنگسرای نیواران اجرا خواهند داشت. البته «ژیوار» تنها گروهی است که علاوه‌بر شرکت در این بخش، در گروه ویژه بانوان هم قرار دارد. در نهایت هم گروه «سازینه نواحی ایران» قرار دارد که ۲۹بهمن در تالار وحدت اجرا دارد و با ۲۷۳بلیت فروخته‌شده بالاترین رتبه را در گروه‌های موسیقی نواحی به خود اختصاص



جان بخشی نورها بر پرده سفید

از گومون تا الکسا

تیره، خانه دنگال و خالی از سکنه‌ای که مسعود برای سرقت به آنجا می‌رود در رخ دیوانه (فرشاد محمدی)، خانه محقر بهرام در نزدیکی مرداب در بوفالو (بrazنده) و خانه ناهید در شیف‌ت‌شب (برازنده) از این دست نوپردازی بهره برده تا بیش از هرچیز به تنهایی و بی‌کسی (در رخ دیوانه به التهاب شخصیت‌ها) اضافه کند؛ در عوض محمدرضا جهان‌پناه در «احتمال باران اسیدی» و علیرضا برازنده در «تگرگ و آفتاب» تن به چنین نوعی از نوپردازی ای نداده‌اند.

خارجی‌های دوست‌داشتنی

در «اعترافات ذهن خطرناک من»، پیمان شادمانفر دقیقاً برخلاف الگوی کلاسیکی که مثلاً استانی چون تورج منصوری در «ایران‌برگر» و همایون پایور در «در دنیای تو ساعت چند است؟»، به‌درستی، درخشانی و تمام‌وکمال در آن در خدمت قصه عمل کرده‌اند، نوپردازی کرده است. او با فضای خارجی در فیلم بیشتر «جارموش»‌ی برخورد کرده تا استفاده آشنا از چیزی که به این‌گونه اتسفر می‌تواند نزدیک باشد، شادمانفر با آشنایی‌زدایی از فضا، چیزی دقیقاًعکس فضای فیلم‌های انتزاعی به ما داده است. درعین‌حال دشواری‌های فیلمبرداری درخشان علیرضا زربین‌دست (مزارشریف) در الموت با رنگ‌مایه‌های آخرالزمانی، علی لقمانی (جزیره رنگین) در قسم با تالوهای دلچسب و درخشان کنار دریا، نوپردازی همپای قصه محمد آلا‌دیپوش (حکایت عاشقی) در کردستان با فضاهای وسیع بیابان و دشت و فیلمبرداری هاشم مرادی (ماهی سیاه کوچولو) در آمل با سایه‌روشن‌های ناخواسته جنگل، دشواری‌های کنترل نور در فضاهای خارجی را قابل‌تامل، مثال‌زدنی



عکس: احتفال باران اسیدی

هنر

بخش، باید شیوه‌های جدیدتری به کار گرفت.»

یکی از موضوعات دیگری که در مورد حضور موسیقی نواحی در جشنواره موسیقی فجر باید مورد بررسی قرار گیرد، سالن‌هایی است که برای اجرای گروه‌ها اختصاص یافته. تالار وحدت و رودکی از جمله مکان‌های شناخته‌شده برای اهالی هنر و موسیقی است. درحالی‌که براساس جدول جشنواره، تنها یک گروه موسیقی نواحی یعنی «سازینه نواحی ایران» در تالار وحدت روی صحنه سی‌رود که از فضا بیشترین آمار فروش بلیت را هم دارد و بعد از آن تالار ایوان شمس و برج آزادی برای اجراهای موسیقی نواحی قرار داده شده‌اند که نام آنها کمتر برای مخاطبان آشناست. علاوه‌براینکه اگر به تجربه کشورهای دیگر نگاه کنیم، می‌بینیم موسیقی نواحی به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی هر ملت، نه‌تنها از نظر معنوی مورد مورد قرار می‌گیرد بلکه در صورت سودآورنبودن مورد حمایت گروه‌های خصوصی و دولتی نیز هستند. در مورد جشنواره موسیقی فجر نیز می‌توان چنین راهکارهایی را در نظر گرفت. این جشنواره که با بودجه دولتی پریا می‌شود و بلیت‌فروشی هم دارد، می‌تواند طوری برنامه‌ریزی کند که از طریق فروش بلیت‌های بخش پاپ، بخش‌هایی همچون موسیقی نواحی که کمتر از نظر مادی حمایت می‌شوند، از نظر مالی تامین شوند. علی مغازه‌ای، پژوهشگر و مستندساز موسیقی نواحی که اولین دوره جشنواره «آینه‌دار» را با حمایت بخش خصوصی در زمینه موسیقی نواحی برگزار کرده است، با تایید این موضوع به «شرق» گفت: «هیچ چیز قابل‌توجهی حداقل در بخش موسیقی نواحی جشنواره وجود نداشت تا موجب جذایبتی شود که بخواهم اطلاعاتی در مورد جزئیات این دوره کسب کنم. یکی از مقتضیات این رشته، همکاری و مشارکت افراد متخصص است درحالی‌که در بخش موسیقی نواحی نامی از محمدرضا دورویی و محققانی از این‌دست می‌توانست نقطه امیدوی برای بررنگ‌ترشدن اهمیت گروه‌های این بخش شود.»

او ادامه داد: «در خیلی از کشورها، دولت تصدی را به بخش خصوصی سپرده یا اینکه از طریق حمایت‌های مادی و دادن یارانه، از هنرهایی همچون موسیقی نواحی حمایت می‌کند. وقتی بخش موسیقی نواحی ما به سمت بلیت‌فروشی می‌رود، از جدیت آن کاسته می‌شود و فعالان آن مجبورند خود را با خواسته مشتریان تطبیق دهند به همین دلیل موسیقی نواحی صرفاً به یک برنامه نمایشی منجر می‌شود. در صورتی که ما موظف هستیم اجراهای خوب و مناسبی از آیین‌های کهن خود روی صحنه ببریم تا در اذهان با یک تصویر خوب ثبت شود.»

و دوست‌داشتنی کرده است.

قاب‌های درخشان

کار درخشان محمود کلاری، استاد بی‌نظیر قاب‌بندی در مرگ ماهی و کوچه بی‌نام و هومن و همیش در من دیگو مارادونا هستم با استفاده درست و دقیق از لنزهای اوتتراپرایم و مسترپرایم زایس بدون‌شک به ماندگاری این آثار به‌خاطر قاب‌های درخشان و بی‌نظیرشان به‌شدت کمک خواهد کرد.

شاعرانگی با میزانشن

میزانشن‌های عمیق در مرگ ماهی (محمود کلاری)، نزدیک‌تر (بهرام بدخشانی)، من دیگو مارادونا هستم (هومن بهمنش)، دوران عاشقی (علیرضا برازنده) و خانه دختر (مرتضی غفوری) بر هرچه بیانگرآتش‌شدن و ایجاد رویکرد زیبایی‌شناسانه شدت بخشیده و کار بایرام فضلی با بهره‌گیری‌ای که از میزانشن کرده شرفراز را بر یک هندسه برگرفته از

اتمسفری شاعرانه نزدیک کرده است.

دوربین پویا

ریک باعجاب‌آور با استفاده از تکنولوژی جدید در نماهای پایانی عصر یخبندان، کار جاهدطلبانه مهدی جعفری که پیش‌تر با کبابی خطویژه را کار کرده بود و نمای پایانی «اعترافات ذهن خطرناک من» کار پیمان شادمانفر در خارجی‌ها؛ و همچنین حرکات پویا و پرتحرک و پیچیده دوربین با قاب‌های باز و بسته به‌خصوص در «ارغوان» (پورصمدی) و «در دنیای تو ساعت چند است؟» (همایون پایور) در داخلی‌ها؛ درخشان و مثال‌زدنی است.

فوکوس‌کنشی و بیچندگی روابط بی‌سرانجام

فوکوس‌کنشی به‌عنوان یک تکنیک پیگ‌پنگی که تعمیر مرکبیت بازیگران و موقعیت ثابت صحنه‌اش باعث ایجاد جذابیت تصویری می‌شود را می‌توان در کار مسعود سلامی در آزادی مشروط و مرتضی غفوری در خانه دختر (دومی با آن رویکرد واقعگرایی خیابانی‌اش) دید. گاه با استفاده از چنین تکنیک بیانگرآبانه‌ای دوربین‌که به درخشان‌ترین شکل ممکن کار خود را اجرا کرده، به پیچیده‌شدن سکانس بیش از هر المان دیگری کمک کرده است.

کنترل فضاهای شلوغ

کار تورج منصوری در ایران‌برگر، محمدرضا سکوت در فرار از قلعه‌رودخان و مرتضی پورصمدی در چهارشنبه ۱۹اردیبهشت به‌خصوص به‌خاطر حجم بالای سایه‌ای‌لشکر و انتخاب زوایای درست بر ارزشمندشدن منطق تصاویر و بیان بصری سوتندی و ارزشمند این آثار افزوده است.

از معدود نمونه‌های جشنواره امسال تاکنون «بوفالو»ی علیرضا برازنده است با آن تمایه طلایی کنار جنازه فرهاد (هومن سیدی) که با دشواری تمام فیلمبرداری شده و قابل‌بیان است.

توضیح: فیلم‌های اشاره‌شده در متن، حاصل مشاهدات نگارنده تا پایان روز هفتم جشنواره است.

چهره روز

علی جنتی، وزیر ارشاد:

شجاعی صابین تخلف کرد برکنار شد



● بعد از همه مطبوعاتی برخی رسانه‌های نسبت‌به تغییر رییس اداره کتاب، سرانجام علی جنتی با رد خبر برکناری او به‌خاطر مجوز کتاب‌ها، مسوولیت برکناری شجاعی صابین را برعهده گرفت و تاکید کرد من حکم برکناری را شخصا صادر کردم. او علت برکناری شجاعی صابین را تخلف اداری اعلام کرد. در هفته گذشته به‌دنبال برکناری علی شجاعی صابین از اداره کتاب، برخی رسانه‌های اصولگرا علت آن را مقاومت شجاعی صابین برای صدور مجوز چندکتاب ازجمله کلیل دولت‌آبادی عنوان کردند. علی جنتی در دوگفت‌وگوی کوتاه با مهر و ایستا، با بیان اینکه فعلاً این‌دفر به‌صورت سرپرستی اداره می‌شود، گفت: مواردی که شایع کردند و مثلاً گفتند فلان‌کتاب مجوز می‌خواسته و چون ایشان مجوز نداد، برکنار شد، صحت ندارد. وزیر ارشاد علت برکناری شجاعی صابین را تخلف از دستورالعمل‌های اداری وزارتخانه دانست و گفت: «یک‌بخشنامه در یک‌حوزه مشخص به همه مدیران وزارت فرهنگ‌وارشاداسلامی ابلاغ کردیم. که این یک چارچوب و درواقع یک‌دستورالعمل بود، ولی ایشان از این دستورالعمل تخلف کرده بود و به‌خاطر عدول از بخشنامه عمومی وزارتخانه، از مسوولیتش کنار گذاشته شد. وزیر فرهنگ‌وارشاداسلامی البته اشاره‌ای به دستورالعمل نداشته نکرد و در پاسخ به این سوال خبرنگار مهر که آیا این بخشنامه مربوط به ممنوع‌شدن مصاحبه مدیران میانی وزارت‌ارشاد با رسانه‌ها بوده است؟، گفت: خیر، ربطی به این موارد ندارد و مساله، اداری بوده است. جنتی با تاکید بر اینکه من شخصاً نوشتم ایشان باید برکنار شود و این نامه را هم به معاون فرهنگی وزارتخانه دادم، تصریح کرد: به‌هرحال این تخلف اداری آن‌قدر بزرگ بوده که چنین تصمیمی اتخاذ شده است.

رویداد

فخرالدینی در رونمایی آلبوم «آواز با عشق» سرریز یادمحمدنوری را زنده کرد

● **شرق**: آلبوم تصویری «آواز با عشق» (یادمان محمد نوری) به آهنگسازی و رهبری دکتر محمد سریر، سه‌شنبه ۲۱ بهمن با حضور لوریس چکنارویان، حمیدرضا نوربخش، مصطفی کمال پورتراب، داریوش پیرنیاکان، داوود گنجه‌ای، فرهاد فخرالدینی، هوشنگ کامکار و جمعی از هنرمندان رونمایی شد. لوریس چکنارویان، «آهنگساز و رهبر ارکستر» در این مراسم گفت: «ما باید مقابل هنر دکتر سریر تعظیم کنیم. هرجا می‌رود دکتر سریر هست، در عجمه که چگونه در این ترافیک می‌مکند که چنین آهنگ‌های زیبایی را بنویسد. ملودی‌نوشتن سخت‌ترین کار دنیااست. ملودی از بالا می‌آید و خدا دکتر سریر را دوست دارد که چنین ملودی‌های زیبایی را به او الهام کرده است. ملودی‌های دکتر سریر جاودانه است.» فرهاد فخرالدینی، «آهنگساز، رهبر ارکستر و عضو شورایعالی خانه موسیقی» هم درباره این آلبوم و کار سریر گفت: زندگی فقط در لحظه نیست، وقتی به گذشته ارتباط پیدا می‌کند اهمیت دارد. گذشته ما را کسانی می‌سازند که برای ما خاطرات خوب ایجاد کرده و برای ما نوای خوب ساختند. ما این آهنگ‌ها را یاد گرفته و زمزمه کردیم. صدای نوری در وجود ما نقش بسته است و این آهنگ‌ها را افرادی مانند دکتر محمد سریر ساختند. وی افزود: وقتی وجود انسان صاف باشد، ملودی‌ها را می‌گیرد. به کسانی که نیروی آفرینش در آنهاست و موهبت هنرمند بودن داده می‌شود. از کار محمد سریر خیلی خوشم می‌آید که این کار با یاد محمد نوری را زنده کرد. شاید کسانی که نوری را نشانند، لازم است که بیش از اینها به گذشتگان خودمان بها دهیم و از آنها یاد کنیم تا نسل جوان هم این را یاد بگیرد. فخرالدینی گفت: فراموش نکنیم در موسیقی که دکتر سریر را یاد گرفته و به‌داری به حسن است. برای خلق آثار فرهاد باید به حسن خودمان وفادار باشیم. موسیقیدانان ما در کارهایشان وفادار به ردیف بودند ولی سریر این کار را نمی‌کند که به نظرم خوب است. وفاداری به حس ایجاب می‌کند که انسان هر چیزی را که حس می‌کند آن را به زبان موسیقی بیان کند. محمد سریر، سخنران بعدی بود که گفت: همه دوستانی که در گروه و ارکستر با من همکاری کردند باید تشکر کنم و اینها از نسل‌های مختلفی هستند. این قطعات را با مهر نواختند و این در نگاهشان پیداست. خوانندگان ما هم از نخبگان هستند. مثلاً آقای وطن‌دوست ابتقدر ساده هستند و اصلاً فکر نمی‌کنیم از ۴۵سال پیش روی صحنه بوده باشند.